

اتحادیه اروپا و موانع عضویت ترکیه

ترکیه علی رغم تلاش های بسیار در گذشته برای پیوستن به اتحادیه اروپا، در برهه کنونی دیگر مثل گذشته رغبتی به عضویت در این اتحادیه ندارد. بر همین اساس، ترکیه به سمت تقویت روابط منطقه‌ای خود رفت.



به گزارش آران نیوز: با تأسیس جامعه اقتصادی اروپا در سال 1975 توسط 6 کشور اروپایی و گسترش آن به اتحادیه اروپا با 28 عضو، روند همگرایی در اروپای پس از جنگ دوم جهانی بی‌وقفه دنبال شده است.

همگرایی که بر بنیاد اقتصاد شکل گرفت و رفته رفته حوزه‌های امنیت، مهاجرت، انرژی و سیاست خارجی کشورهای عضو را در بر گرفت. طی سال‌های گذشته دو دیدگاه اصلی برای گسترش اتحادیه اروپا در این بزرگ سازمان منطقه‌ای، مطرح بوده است. آلمان‌ها که خواستار گسترش طولی اتحادیه و فرانسوی‌ها که خواستار تعمیق بخشی و گسترش از لحاظ عمق این اتحادیه هستند. اتحادیه‌ای که غرب اروپا را در بر گرفته است برای گسترش بر پایه دیدگاه آلمانی باید نگاهی به سمت شرق داشته باشد؛ به سمت کشورهای به‌جا مانده از اتحاد جماهیر شوروی. اینجاست که اختلاف‌ها بروز پیدا می‌کند. اختلاف بر سر پذیرش یا عدم پذیرش کشورهایی که از منظر دموکراسی، فرهنگ، ثبات سیاسی و اقتصادی با نیمه دیگر اروپا همگن نیستند.

اما فراتر از آن، بحث در مورد پذیرش کشور ترکیه هم مطرح است. کشوری که از لحاظ جغرافیایی کاملاً در حوزه اروپا قرار نمی‌گیرد اما به لطف تلاش سیاستمداران این کشور و از زمان تأسیس ترکیه نوین در سال 1923 تا کنون خود را به جغرافیای سیاسی اروپا پیوند زده‌اند و حساب‌شان را از آسیا جدا کرده‌اند. در یک کلام باید مجموع تلاش‌هایشان را برای غربی شدن دانست. از سال 1987 که نخستین گام عملی ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپایی برداشته شده است، دوران پر فراز و نشیبی تا کنون طی شده است. در این جستار از قید نگاه تاریخی به مسئله عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، عبور کرده و حال این مسئله را مورد بررسی و کنکاش قرار خواهیم داد.

*موانع پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا

1. دین

ترکیه به واسطه دین مردمش یکی از بزرگ‌ترین کشورهای اسلامی به حساب می‌آید. طبق آمار اکثریت قاطع مردم ترکیه دارای دین اسلام با دوگرایش حداکثری سنی و حداقلی علوی هستند. اما در نقطه مقابل، اتحادیه اروپا دارای دین دیگری است. مسیحیت و مذاهب آن، دین اکثریت مردم را در اروپا تشکیل می‌دهند. لذا ناهمخوانی بین دین در ترکیه و دین در اروپا یکی از نقاط مهم در واگرایی بین ترکیه و اتحادیه اروپا به شمار می‌آید که خود مانع بزرگ و غیرقابل حلی به حساب می‌آید. هرچند که ترکیه کوشیده است رنگ و بویی دینی نداشته باشد و همواره بر مدار سکولاریسم در سیاست گام برداشته است اما این برای اروپا کافی نیست و مهم‌تر از سیاست سکولار، مردم مسلمان ترکیه است. مردمی که با پیوستن به اتحادیه اروپا در گام نخست، ترکیب دینی و مذهبی این اتحادیه را دست خوش تغییر قرار خواهند داد.

از دیگر سو، رشد اسلام و جمعیت مسلمان در اروپا طی سال‌های اخیر مورد نگرانی اروپائیان بوده است. بنابر گزارش «اندیشکده تحقیقاتی پیو» رشد جمعیت مسلمان اروپا شتاب گرفته است و از رشد یک درصدی در دهه 1990 به رشد 6 درصدی در سال 2010 رسیده است. بر همین اساس جمعیت مسلمان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا حدود 19 میلیون نفر است که با در نظر گرفتن جمعیت بیش از 77 میلیون نفری ترکیه که عمدتاً مسلمان هستند، خود به خوبی نشان می‌دهد که اضافه شدن این تعداد جمعیت مسلمان به اتحادیه اروپایی مسیحی در کنار رشد 6 درصدی جمعیت در داخل این اتحادیه، خوشایند اروپا نمی‌باشد. اروپایی که خود را مهد مسیحیت می‌داند و همواره برای گسترش آن تلاش نموده است. ضمن آنکه طی ماه‌های گذشته و با حملات تروریستی شکل‌گرفته در اروپا که توسط اسلام‌گرایان تندرو در بلژیک، بریتانیا و فرانسه صورت پذیرفته است، اروپای مسیحی بیش از پیش از جانب رشد اسلام (اسلام رادیکال) در بطن خود بیمناک است.

2. جمعیت

جمعیت ترکیه بیش از هفتاد و هفت میلیون نفر است. جمعیتی که عمده آن مسلمان هستند و تبعات اسلامی بودن آن در بالا به تفصیل بیان شد. اما تعداد نفرات جمعیت ترکیه بدون در نظر گرفتن دین، دارای تبعاتی برای اتحادیه اروپا است. عمده تأثیر جمعیت ترکیه بعد از پیوستن به اتحادیه اروپا در دو بعد مهاجرت و سیاست خواهد بود. از منظر مهاجرت به دلیل قانون شنکن که قطعاً یکی از انگیزه‌های پیوستن ترکیه بهره‌مندی از آن است، نیروی کار فراوانی را به سمت اروپا گسیل خواهد داد. مهاجرت و جابجایی آزادانه اتباع کشورهای عضو اتحادیه اروپا هم اکنون نیز مورد چالش جدی قرار گرفته است و مباحث عمده این روزهای اتحادیه اروپا به شمار می‌آید که موجب اختلاف بسیاری بین کشورهای عضو شده است. قطعاً تمایل برای تشکیل زندگی بهتر و یافتن شغل با درآمدی بالاتر برای مردم ترکیه در غرب اروپا وسوسه‌انگیز خواهد بود، حال آنکه به صورت قانونی هم اجازه بهره‌مندی از آن را پیدا کنند.

از منظر سیاسی بحث از حساسیت بیشتری برخوردار است و جنبه‌های فنی دارد. چرا که تعداد نفرات جمعیت هر کشور عضو با تعداد رأی و میزان تأثیرگذاری کشورها در اتحادیه اروپا رابطه مستقیم دارد. ورود ترکیه به اتحادیه اروپا، این کشور را در رده

دومین عضو از لحاظ تعداد جمعیت قرار خواهد داد و باتوجه به اینکه تعداد نمایندگان کشورهای عضو، در پارلمان اروپا و تعداد رأی در کمیسیون‌های مختلف بر مبنای میزان جمعیت در نظر گرفته شده است، ترکیه به تنهایی آراء بسیاری را به دست خواهد آورد و در زمره قدرت‌مندان سیاسی این اتحادیه به حساب خواهد آمد به طوری که بالاتر از کشورهای فرانسه (65 میلیون نفر)، ایتالیا (60 میلیون نفر)، اسپانیا (46 میلیون نفر) و سایر اعضا قرار خواهد گرفت. به همین سبب ورود ترکیه به اتحادیه اروپا موجب کسب موقعیت برتر ترکیه مسلمان در میان مسیحیان اروپا خواهد شد و همواره این کشور در رأی‌گیری‌های شورای اروپا و پارلمان اروپا که مبتنی بر میزان جمعیت است، برتری خواهد یافت.

3. ژئوپولیتیک و امنیت

بر مبنای استراتژی امنیت اروپا که در دسامبر 2003 تصویب گردید، ژئوپولیتیک جایگاهی ویژه یافته است. اروپاییان خاورمیانه را همسایه خود تلقی می‌کنند و معتقدند اگر هریک از کشورهای خاورمیانه به قدرتی نامتقارن و برتر دست یابد، در این صورت قادر خواهد بود وضع موجود و موازنه قدرت در سطح منطقه و نظام بین‌الملل را تحت تأثیر خویش قرار دهد. اما جدای از این بحث، مرزهای ترکیه بحرانی است.

عراق از عدم ثبات و امنیت رنج می‌برد و صحنه عملیات تروریستی گسترده‌ای قرار گرفته است. سوریه که به قلب آشوب در خاورمیانه تبدیل شده است و پایگاه اصلی تروریسم (داعش) به حساب می‌آید. با این اوضاع پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا موجب گسترش مرزهای این اتحادیه می‌شود و خود به خود اتحادیه اروپا همسایه یکی از اصلی‌ترین کانون‌های بحران در دنیا می‌گردد.

این نزدیکی به محیط آشوبناک خاورمیانه، دارای تبعات امنیتی فراوانی است و قطعاً همان‌طور که امنیت را در ترکیه به خطر انداخته است، موجب بروز مشکلات امنیتی بیشتری از آنچه تا کنون اروپا درگیر آن بوده است، می‌شود. گسترش مرزها به سمت بحران و پذیرش ریسک انتقال بحران به داخل اتحادیه از یک سو و حمایت از آسیب‌های احتمالی به خود کشور ترکیه و جبران خسارت‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی به این کشور، توسط اتحادیه اروپا کار پر ریسک و بدون منفعتی خواهد بود. در مجموع اتحادیه اروپا با خاورمیانه مخالف است. ترکیه با سوریه و عراق همسایه است و اتحادیه اروپا نمی‌خواهد که با همسایگی با این کشورها مشکلات آن‌ها را به ارث ببرد.

4. ثبات سیاسی و کسری دموکراسی

اختلاف و مسائل سیاسی مورد بحث بین ترکیه و اتحادیه اروپا، موارد فراوانی را شامل می‌شود. مواردی نظیر: حقوق بشر، مسئله کردها، کشتار ارمنه، نظامیان و... که دامنه وسیعی از مسائل سیاسی را در بر می‌گیرد. هرچند که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، طی سالیان گذشته، تغییرات سیاسی بسیاری به نفع دموکراسی در این کشور انجام شده است اما اتحادیه اروپا آن را کافی نمی‌داند و آن را با استانداردهای پذیرفته شده اروپایی، دارای فاصله بسیار می‌داند. ضمن آنکه نسبت به پاره‌ای از تغییرات هم نگاهی بدبینانه دارد. به طور مثال در خصوص تغییر چندباره قانون اساسی ترکیه، عده‌ای معتقدند که رئیس‌جمهور اردوغان، در پی مادام‌العمر کردن ریاست جمهوری در این کشور است که خود مسئله‌ای غیرقابل پذیرش برای اروپا و ارزش‌های اروپایی به حساب می‌آید.

دخالت نظامیان ترکیه در سیاست‌های این کشور، از دیرباز محل مناقشه بسیاری بوده است. دخالت‌های ارتش در سیاست ترکیه از سال 1960 آغاز شد و کودتاهای 1960، 1971، 1980 و 1997 از جمله موارد آشکار این دخالت‌ها است. هرچند که اردوغان، طی سالیان گذشته تلاش بسیاری در زمینه تصفیه ارتش کرده است اما او هم از دخالت ارتش در امان نماند و کودتای نافرجام چند روز پیش در ترکیه (17 ژوئیه 2016) خود به خوبی بیان‌گر عدم ثبات سیاسی در این کشور است.

مورد بحث قراردادن مسائل داخلی ترکیه که موجب می‌شود اتحادیه اروپا، چندان رغبتی به پذیرش این کشور نداشته باشد، بسیار است که بیان و شرح همه آن، در این مقال نمی‌گنجد. اما در کنار دخالت‌های ارتش، وضعیت کردها دومین معضل اساسی در عرصه سیاست داخلی ترکیه به شمار می‌آید. کردهایی که 18 درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند اما هرگز در بازی‌های سیاسی به طور برابر سهم نداشته و سرکوب شده‌اند. عدم دست‌یابی کردها به قدرت و جلوگیری سیستماتیک از ورود آن‌ها به قدرت از یک سو، سرکوب و تحت فشار قراردادن آن‌ها از سوی دیگر به بیان اروپاییان نقض استانداردهای اروپا به شمار می‌رود که هرگز اتحادیه اروپا حاضر به پیوند خود با این نابسامانی نبوده و نخواهد بود.

*تأثیر عضویت ترکیه بر ایران

پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا از دو منظر می‌تواند برای ایران دارای فوایدی باشد. از یک سو، پذیرش ترکیه در اتحادیه اروپا، موجب می‌شود نگاه این کشور به بازیگران منطقه‌ای کم‌رنگ شود. در این‌جا اشاره به روابط ترکیه با اسرائیل است. جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی دارای تعارضات هویتی گسترده است و به عنوان یک دشمن دائمی در سیاست خارجی ایران، مطرح است. دور شدن ترکیه و اسرائیل از یکدیگر موجب حضور کم‌رنگ اسرائیل در نزدیکی ایران می‌شود. اما جنبه دیگر این مطلوبیت، نزدیک شدن جغرافیایی ایران با اتحادیه اروپا است. ترکیه می‌تواند تسهیل‌کننده روابط ایران با اتحادیه اروپا باشد. از طرف دیگر، حضور اتحادیه اروپا در منطقه می‌تواند به شکل‌گیری ائتلاف و اتحادهای جدید کمک کند و قدرتی جدید در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا پدید آید. گسترش اتحادیه اروپا به سمت شرق اسلامی، می‌تواند فرصت‌های ژئوپلیتیکی جدیدی را برای ایران فراهم آورد که در پرتو آن خواهد توانست امنیت خود را افزایش دهد.

جدای از مزایای ژئوپلیتیکی و امنیتی همسایگی ایران با اتحادیه اروپا، مزایای اقتصادی نیز متصور است. از آن جمله می‌توان به

جذب سرمایه‌گذاری خارجی توسط ایران هم‌زمان با افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در ترکیه، دسترسی آسان به بازارهای فرامنطقه‌ای و افزایش اهمیت انرژی ایران اشاره کرد.

*نتیجه

هرچند که ترکیه طی سالیان گذشته، مشتاقانه در پی پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است و برای رسیدن به این آرزو که اردوغان آن را آرزوی دیرینه ترکیه خوانده است، بی‌وقفه تلاش نموده و دست به اصلاحات گسترده زده است، اکنون دیگر مثل گذشته رغبتی به عضویت در این اتحادیه ندارد. خصوصاً بعد از رأی 52 درصدی مردم بریتانیا به خروج از این اتحادیه که زمینه‌های اضمحلال فعلی و فروپاشی آینده آن را فراهم آورده است. بر همین اساس، ترکیه به سمت تقویت روابط منطقه‌ای خود رفته است.

از روسیه بابت سرنگونی هواپیمای جنگنده این کشور در مرز خود با سوریه، عذرخواهی کرده و با اسرائیل پس از گذشت شش سال، روابط خود را از سر گرفته است. سرخوردگی از روند طولانی عضویت و خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، موجب شده تا ترکیه در روند پیوستن و جدیت برای پیگیری آن، کمی آرام شود و به دنبال تقویت قدرت خویش از طریق ائتلاف‌های منطقه‌ای به جای چشم داشت به قدرت‌های خارجی رفته است. از دیگر سو، در اتحادیه اروپا هم چندان تمایلی برای عضویت ترکیه دیده نمی‌شود و همواره با بی‌میلی در مورد آن صحبت به میان آمده. در کنار وعده‌های آینده برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، صداهایی قوی در راستای مخالفت با این روند نیز شنیده می‌شود. در نهایت اتحادیه اروپا مایل است به جای اعطای عضویت به ترکیه، آن را به عنوان یک شریک ممتاز تجاری و استراتژیک در کنار خود داشته باشد.

منبع: مهر